
The development of the methodology of deduction from the current tradition

Mahdi Mardani Golestani; (Quranic Sciences and Hadith from Quran and Hadith University, Email: mardani1400@gmail.com)

ARTICLE INFO

Article history

Received: 29 May 2018

Revised: 19 August 2018

Accepted: 4 September 2018

Published online: 23 September 2018

Key words:

the innocent verb, the implication of the practical tradition, the development of inference, the method of ijtehad, the foundations of inference

ABSTRACT

Based on Shi'a thought, the practical tradition is one of the sources of inference that has not been considered by scholars due to the lack of explanation of the foundations and methods of its use. One way to increase the use of the practical tradition of inference is to explain the beliefs that their acceptance brings more effective practice. The present research has attempted to explain a fundamental belief based on the implications of the practical tradition based on an analytical-exploratory method and, by explaining the consequences of its adoption, to develop methods of deduction from the current tradition. Believing in the independent signification of the practical tradition is one of the effective presuppositions in the development of an inference from the practical tradition, the result of which is the extension of the methods of deduction from the practical tradition in two ways: one: the extraction of the dominant principle and the two: revitalization

توسعه روش‌شناسی استنباط از سنت فعلی

مهدی مردانی گلستانی (از دانشگاه قرآن و حدیث قم، mardani1400@gmail.com)

اطلاعات مقاله

دریافت: ۸ خرداد ماه ۹۷
بازنگری: ۲۸ مرداد ماه ۹۷
پذیرش: ۱۳ شهریور ۹۷
انتشار: ۱ مهر ماه ۹۷

چکیده

برپایه اندیشه شیعه، سنت فعلی یکی از منابع استنباط آموزه‌های دینی است که به دلیل عدم تنقیح مبانی و شیوه‌های به کارگیری آن، چندان که باید مورد توجه اندیشمندان قرار نگرفته است. یکی از راه‌های افزایش بهره‌گیری از سنت فعلی در استنباط آموزه‌های دینی، تبیین پیش فرض‌ها و باورهایی است که پذیرش آنها، موجب کارآمدی بیشتر سنت فعلی در استنباط می‌شود.

این پژوهش کوشید تا به روش تحلیلی - اکتشافی یک باور بنیادین را تقریر نماید که برپایه دلالت سنت فعلی استوار شده است و با تبیین پیامد پذیرش آن، روش‌های استنباط از سنت فعلی را توسعه بخشد. باور به دلالت استقلالی سنت فعلی، از پیش فرض‌های مؤثر در توسعه استنباط از سنت فعلی است که پیامد آن، گسترش روش‌های استنباط از سنت فعلی به دو روش استخراج اصل حاکم و عصری‌سازی است.

واژگان کلیدی

فعل معصوم، دلالت
سنت فعلی، توسعه
استنباط، روش اجتهاد،
مبانی استنباط

بیان مسئله

عمده اختلاف صاحب‌نظران درباره میزان کارآمدی سنت فعلی در استنباط، به تفاوت پیش‌فرض‌های ایشان برمی‌گردد که با پذیرش یا عدم پذیرش برخی از این پیش‌فرض‌ها، قائل به کارکرد حداکثری یا حداقلی سنت فعلی در استنباط شده‌اند. براساس این، برای توسعه کارکرد سنت فعلی در استنباط آموزه‌های دینی، ضروری است نسبت به باورهای بنیادین آن اندیشه و پیش‌فرض‌های مؤثر در افزایش کارایی سنت فعلی تبیین شود.

یکی از پیش‌فرض‌های مهم در توسعه استنباط از سنت فعلی، باور به «دلالت استقلالی سنت فعلی» است؛ زیرا، آنچه تاکنون از گزاره‌های سنت فعلی مورد استناد قرار گرفته است، مصادیقی است که از همراهی قول معصوم برخوردار و معتضد به قرائن بوده است. این در حالی است که سنت فعلی به تنهایی و مستقل از قرائن قولی نیز دلالت دارد و می‌تواند نسبت به آموزه‌های دینی بیان محسوب شود.

پذیرش این باور بنیادین سبب می‌شود تا دامنه بهره‌گیری از سنت فعلی توسعه پیدا کند و روش‌های استنباط از سنت فعلی افزایش یابد. از این رو، این مقاله کوشیده است تا از رهگذر پاسخ به پرسش‌های ذیل، پیش‌فرض یادشده و پیامد آن را به اثبات رساند؛ اینکه آیا سنت فعلی همچون قول ایشان دلالت دارد؟ آیا این دلالت همراه با قرینه است و یا به نحو مستقل و بدون نیاز به قرینه؟ پیامد و نتیجه پذیرش دلالت استقلالی سنت فعلی چیست؟

در این باره، غیر از نگاه‌های پراکنده‌ای که به بیان آموزه‌های سیره معصومان پرداخته‌اند، اثر مستقلی به دست نیامده است. تنها برخی از پایان‌نامه‌ها به بعضی مسائل این پژوهش توجه نشان داده و به بررسی نقش سنت فعلی در استنباط احکام پرداخته‌اند؛ برای نمونه فاطمه اردستانی در پایان‌نامه «نقش فعل پیامبر(ص) در اجتهاد در مذاهب

اسلامی» و سیدمحمدرضی آصف آگاه در پایان‌نامه «شئون معصوم و نقش آن در استنباط» به گونه‌شناسی سنت فعلی پرداخته و تأثیر آن در استنباط احکام فقهی را کاویده‌اند؛ اما تفاوت این پژوهش با آثار یادشده به جهت مسئله، روش و دامنه کاملاً مشهود است؛ چه، مسئله پژوهش‌های پیشین کارکرد سنت فعلی در استنباط است و مسئله اصلی این مقاله توسعه کارکرد سنت فعلی در استنباط؛ روش پژوهش‌های یادشده به‌طور عمده توصیفی-تحلیلی است و روش حاکم بر این مقاله نظریه‌شناسانه است؛ و دامنه تحقیق در پژوهش‌های سابق، آثار و آرای فریقین است و این مقاله بر منابع و مدارک شیعه امامیه تکیه دارد.

۱ - مفهوم شناسی

۱ - ۱. توسعه

توسعه در لغت به معنای خروج از پوشش، وسعت دادن، فراخ کردن و بهتر شدن است (معین، ۱۳۸۵؛ عمید، ۱۳۸۹) و در اصطلاح، به حسب دانش‌هایی که در آن به‌کار رفته است، دارای تعاریف و مفاهیم گوناگونی است؛ اما با توجه به آنکه تعاریف توسعه، ناظر به اهداف و اقتضائات دانش-های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی بوده است (قدیری، ۱۳۷۹) با مفهوم مورد نظر در این تحقیق فاصله دارد و نمی‌توان از آنها برای ارائه تعریف این واژه کمک گرفت. از این رو، باید گفت که مراد از توسعه، بیشتر مفهوم واژگانی آن است که با کلماتی مانند بسط، گسترش و افزایش هم‌معناست و پیشبرد قابلیت‌های عینی یکی از منابع دین‌شناخت (فعل) را نشان می‌دهد. در واقع، منظور از توسعه در این تحقیق گسترش کمی و کیفی روش‌هایی است که تاکنون برای استنباط آموزه‌های دینی تعریف شده است و به‌صورت مشخص در استنباط از سنت فعلی معصوم دو روش جدید را پیشنهاد می‌دهد.

۱ - ۲. روش

روش در لغت، مترادف واژگانی چون راه، طریق و شیوه است (خداپرستی، ۱۳۷۶) و در اصطلاح، در معانی متفاوتی به کار رفته است؛ از جمله هرگونه ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود، روش خوانده شده است و به مجموعه طریقی که انسان را به کشف مجهولات هدایت می‌کند نیز روش اطلاق شده است و مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند نیز روش گفته شده است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴)؛ ولی مقصود از روش در این تحقیق، چگونگی کشف / فهم مراد شارع از منابع دینی (سنت فعلی) است.

۱ - ۳. استنباط

استنباط در لغت به معنای به آب رسیدن چاه‌کن و در اصطلاح عام، به معنای آشکارشدن مجهول است (دهخدا، ۱۳۶۴؛ صفی‌پوری، ۱۳۹۰). این واژه در اصطلاح فقها، به معنای به دست آوردن احکام شرعی از ادله آن به کار رفته است (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۹۰) و به معنای استخراج معانی از نصوص با قوه ذهن نیز تعریف شده است (جرجانی، ۱۳۷۰). استنباط که معادل واژه اجتهاد نیز به کار می‌رود، در این تحقیق به معنای کشف و استخراج احکام - به معنای اعم آن - از منابع دینی (سنت فعلی) است.

۱ - ۴. پیش فرض

پیش فرض در لغت معادل تعبیری چون پیش‌انگاره، مبنا، باور بنیادین و... به کار می‌رود و در اصطلاح، به معنای زیرساخت نظری است که مسائل یک علم بر آن استوار است (سبزواری، ۱۴۱۷: ۸۷). همچنین به باورهایی که محقق بسان یک اصل برای خود قرار می‌دهد - خواه مورد پذیرش دیگران قرار گیرد و خواه قرار نگیرد - تعریف شده است (راد، ۱۳۹۰: ۳۰)؛ اما مقصود از پیش فرض در این تحقیق، باوری اصولی - معناشناختی است که نسبت به گزاره‌های رفتارشناختی معصوم اتخاذ و موجب توسعه کارکرد سنت فعلی در استنباط می‌شود.

۲. پیش فرض: دلالت استقلالی سنت فعلی

یکی از مسائل مهم در تحلیل سنت فعلی معصوم، اثبات دلالت و بیان بودن فعل است که در واقع، زیربنای اثبات کارآمدی سنت فعلی محسوب می‌شود. دلالت در لغت به معنای راهنمایی، هدایت و راهبری است و در اصطلاح، به حالتی در یک شیء گفته می‌شود که سبب علم به شیء دیگر می‌شود؛ شیء اول را دالّ و شیء دوم را مدلول می‌گویند؛ مانند دلالت دود بر آتش و یا دلالت جای پا بر رونده (مومن قمی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۹؛ صدر، ۱۴۱۸، ج ۲: ۱۷۹؛ خوبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۶۸).

از سوی دیگر، دلالت خود بر دو قسم دلالت لفظی و دلالت غیرلفظی است؛ دلالت لفظی یعنی دلالت لفظ بر معنا در صورتی که منشأ دلالت، وضع واضح باشد؛ به گونه‌ای که به مجرد شنیدن لفظ، معنای آن به ذهن شنونده بیاید و مراد از دلالت غیرلفظی، ایجاد معنا در ذهن مخاطب، بدون واسطه قرار دادن لفظ است؛ خواه واسطه غیرلفظی در میان باشد؛ مانند دلالت علائم راهنمایی و رانندگی بر مقصود واضح آنها، و خواه واسطه‌ای در بین نباشد؛ مانند دلالت وجود خارجی اشیا بر معانی خود در ذهن مخاطب (قطب‌الدین رازی، ۱۳۹۳: ۲۷؛ مجتهد خراسانی، ۱۳۴۰: ۱۸). با این توضیح، باید افزود که بحث دلالت سنت فعلی، از نوع دلالت غیرلفظی است که درباره اصل وجود و یا حدود آن در میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد و هریک بر پایه ادله‌ای چند، به دیدگاهی متمایل شده‌اند.

۱-۲. دیدگاه اول: دلالت غیرمستقل

گروهی از صاحب‌نظران معتقدند که دلالت سنت فعلی، غیرمستقل بوده و نیازمند قرینه است؛ یعنی برای آن که سنت فعلی بتواند مفید معنای مشخصی باشد باید از همراهی قول یا قرینه‌ای دیگر بهره‌مند شود. در باور آنها، افعال مانند الفاظ دارای دلالت وضعی نیستند تا برای معنای

ائمه(ع) ارجاع داده و از نگرستن به افعال ایشان باز داشته است:

راوی گوید: به امام رضا(ع) عرض کردم فدایت شوم! شما را در حال نماز دیدم که وقتی در رکعت اول و سوم سر از سجده برمی‌دارید، مدتی را نشسته و سپس برمی‌خیزید، آیا ما نیز همچون شما رفتار کنیم؟ فرمود: به آنچه من انجام می‌دهم نگاه نکنید! به آنچه که امر شده‌اید عمل کنید (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶: ۳۴۷).

این در حالی است که مفاد این حدیث، ارتباطی به برداشت صورت گرفته ندارد و نسبت به مدعای مورد نظر (غیرمستقل بودن دلالت فعل) نارساست؛ زیرا همان‌طور که شیخ طوسی آورده است، مقصود از نهی امام، پرهیز از پیروی سنت فعلی نیست؛ بلکه مراد، توجه مخاطب به عدم وجوب فعل ایشان بوده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۸۳)؛ البته این احتمال نیز وجود که سخن امام(ع) ناظر به باور مخاطب بوده و حضرت با توجه به شرایط تقیه آن را بیان فرموده باشند؛ همان‌طور که فیض کاشانی و علامه مجلسی این چنین تفسیر کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۸: ۷۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۵۴۷).

۲-۲. دیدگاه دوم: دلالت مستقل

اما گروه دیگر بر این باورند که دلالت سنت فعلی، مستقل است و برای افاده معنا و ایجاد علم به مدلول خود، نیازمند قرینه نیست (حلی، ۱۴۲۵، ج ۲: ۴۳۲)؛ همان‌طور که پیامبر(ص) نماز و حج را با فعل خود تبیین نمودند (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۹۸/۲۱۵) و اصحاب نیز وضوء را با عمل پیامبر(ص) فرا گرفتند (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۶۱). همچنین تعدادی از افعال عرفی مانند سوارشدن در وسایل اجاره‌ای (که نشان‌دهنده رضایت راکب به پرداخت اجاره است)، نشستن بر سر سفره غذا (که دلالت بر جواز اکل طعام دارد) و گرفتن کلاهی که قیمتش بر روی آن نوشته شده (نشان‌دهنده رضایت مشتری به قیمت) از جمله نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد فعل

خاصی قرار داده شوند؛ فعل نه دارای اطلاق و فرد شایع است تا در آن ظهور یابد و نه دارای صیغه عامی است که بتوان از آن عمومیت را استظهار کرد (حکیم، ۱۴۱۸: ۲۲۶؛ مغنیه، ۱۹۷۵: ۲۰)؛ به همین دلیل، سنت فعلی را مجمل و فاقد توانایی ابراز معنا به شکل استقلالی می‌دانند. این در حالی است که اثبات دلالت افعال، منوط به احراز دلالت وضعی نیست تا نبود یکی موجب عدم پذیرش دیگری شود؛ بلکه دلالت افعال از نوع دلالت ذاتی و عقلی است (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۳۹).

دلیل دیگری که بعضی از باورمندان به این دیدگاه مطرح کرده‌اند، اختصاصی بودن بعضی از افعال معصوم است. به گمان آنان، اگر معصوم، فعلی را انجام دهد که فاقد هرگونه قرینه قولی یا غیرقولی باشد، این تردید پدید می‌آید که آیا آن عمل به اقتضای عصمت بوده و تکلیفی اختصاصی محسوب می‌شود و یا عملی عمومی بوده و درباره دیگران نیز نافذ است؟ از این رو، نمی‌توان دلالت مستقلی را برای سنت فعلی قائل شد (غزالی، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۷). آنچه در نقد این دلیل می‌توان گفت آن است که قائلان به این استدلال، همچون رویکرد افراطی که در تقیه انگاری روایات وجود داشته است (صفری فروشانی، ۱۳۸۱: ۲۵۱-۲۵۳)، در اختصاصی خواندن سنت فعلی نیز دچار نگاه افراطی شده‌اند؛ زیرا بدیهی است که شماری از افعال معصوم مخصوص ایشان بوده و قابلیت تأسی و الگوبرداری برای دیگران را ندارد؛ ولی این مطلب بدین معنا نیست که در هریک از افعالی که از معصوم صادر می‌شود، گمان اختصاصی بودن برود؛ زیرا افعال اختصاصی معصوم محدود و مشخص بوده و به‌راحتی از دیگر افعال ایشان قابل تمییز است.

از سوی دیگر، برخی از طرفداران این نظریه (دلالت غیراستقلالی سنت فعلی) (ابن‌الشهید الثانی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۲۲؛ سمون، ۱۳۸۵: ۱-۲۴) به روایتی استناد کرده‌اند که در آن معصوم پیروان خود را به پیروی از دستورات

سکوت اختیار می‌کرد و آنها را از ارتکاب نهی نمی‌فرمود، می‌فهمیدند که انجام چنان کاری جایز است؛ پس سکوت پیامبر(ص) برای آنها در حکم بیان عمل مجاز بود (ابن میثم، ۱۳۶۲، ج ۲: ۴۰۲؛ بیهقی، ۱۳۶۷: ۱۹۵؛ شوشتری، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۰۳).

همچنین احادیثی که از اقدام عملی معصوم برای آموزش وضو، نماز و تیمم خبر می‌دهد، نشان از آن است که سنت فعلی در بیان مقصود معصوم کافی و رسا بوده و به تنهایی بر اعمال یادشده دلالت می‌کرده است؛ چنان‌که طبق گزارش زراره، امام باقر(ع) برای نشان دادن نحوه وضوی پیامبر(ص)، در عمل اقدام به گرفتن وضو کردند: امام باقر(ع) فرمودند:

آیا وضوی رسول خدا(ص) را برایتان حکایت نکنم؟ آنگاه با دست راست، مِشْتی آب برداشت و صورت خود را شست؛ بعد، با دست چپ مِشْتی آب برداشت و دست راست خود را شست و سپس با دست راست، مِشْتی آب برداشت و دست چپ خود را شست؛ آنگاه، با رطوبت باقیمانده دست‌ها، سر و پاها را مسح کشید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۴).

از سوی دیگر، احادیثی که در آن به سنت فعلی ارجاع داده شده و در پاسخ پرسش، به عمل ایشان استناد شده است نیز نشان از دلالت مستقل فعل به شمار می‌آید. برای نمونه، هنگامی که راوی از حکم خوردن پنیر می‌پرسد، امام(ع) به فعل خود استناد می‌کند و با توجه به دلالت آن پاسخ می‌دهد:

راوی گوید: از امام باقر(ع) درباره پنیر پرسیدم، فرمود: درباره غذایی سوال کردی که مرا به شگفت وامی‌دارد، آنگاه به خادم خود درهمی داد و فرمود: برای ما پنیری خریداری کن. سپس درخواست چاشت نمود و ما نیز با ایشان هم غذا شدیم. پس پنیری آوردند و حضرت از آن خورد و ما نیز خوردیم. وقتی که از چاشت فرغ شدیم از ایشان سوال کردم: نظرتان درباره پنیر چیست؟ فرمود: آیا

برای القای معنا و ایفای مراد فاعل، کاملاً مستقل بوده و نیاز به قرینه و موید ندارد (مغنیه، ۱۹۷۵: ۲۰)؛ اما یکی دیگر از دلایلی که قائلان این قول (دلالت استقلالی سنت فعلی) اقامه کرده‌اند، حجیت ظهور افعال است؛ یعنی اگر فعل دارای ظهور عرفی و عقلایی باشد - که دارد - این ظهور نزد عقلاء معتبر بوده و قابل استناد می‌باشد (حسینی شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱: ۳۰۴).

مؤید این مطلب، شواهدی است که در لسان فقها آمده و برای آن آثار فقهی مترتب شده‌اند؛ چنان‌که در باب مکان نمازگزار گفته‌اند اگر درب اماکن عمومی چون مهمان‌خانه‌ها، حمام‌ها و... باز باشد، این عمل دلالت بر جواز دخول بدون اذن می‌کند و نماز گزاردن در چنین اماکنی جایز است. این نمونه که جزء قرائن حالیه به شمار می‌آید، توسط برخی بزرگانی مانند سیدحسین بروجردی، سیدمحسن حکیم و امام خمینی مورد تأیید قرار گرفته و ظهور فعلی این عمل، معتبر شمرده شده است (یزدی، ۱۴۱۹، ج ۲: ۳۷۵). همچنین موضوعات دیگری مانند قبول فعلی معامله (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۲۹)، اجازه فعلی در عقد فضولی (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲: ۲۰) نیز از دیگر مصادیق حجیت ظهور فعل است که در کتب فقهی تبیین و تأیید شده است.

اما از دیگر ادله‌ای که می‌توان در این باره اقامه کرد، روایاتی است که از دلالت مستقل سنت فعلی خبر می‌دهد؛ چنان‌که امیرالمومنین(ع) در تعبیری بلند در خطبه ۹۶، از سکوت پیامبر(ص) به «زبان» یاد کرده و در وصف آن فرمودند: «كَلَامُهُ بَيَانٌ وَ صَمْتُهُ لِسَانٌ».

برپایه دیدگاه برخی از شارحان نهج البلاغه، سکوت پیامبر(ص) از دو جهت بیان محسوب می‌شود: نخست آنکه پیامبر(ص) از بیان آنچه شایسته گفتن نبود خودداری می‌کرد؛ پس مردم از سکوت حضرت درمی‌یافتند که نباید پیرامون موضوعی که پیامبر(ص) سکوت کرده حرفی بزنند و دوم آنکه اگر صحابه طبق عادت مرسوم خود کاری انجام می‌دادند و پیامبر(ص) در آن باره

آن با قول نیست و همراهی فعل با قول را نفی نمی‌کند؛ زیرا چه بسا سنت فعلی در موضوعی دلالت مستقلاً داشته است؛ اما برای تبیین بیشتر و یا افاده خصوصیتی جدید با قرائن قولی همراه شده است؛ همان‌طور که روایتی که از فعل امام صادق(ع) در نوره کشیدن و تأیید قولی ایشان نسبت به فهم و برداشت راوی (عبدالله بن ابی یغفور) خبر می‌دهد، نشان دهنده آن است که سنت فعلی به تنهایی دالّ بوده و برای افاده معنا نیازمند قول نیست؛ اگرچه برای رفع ابهام و یا برطرف کردن شبهه مخاطب، با قول نیز همراه شده است:

عبدالله بن ابی‌یغفور گوید: در مدینه بودیم که زراره در مورد کندن موی زیر بغل و تراشیدنش با من بحث می‌کرد؛ پس من گفتم تراشیدنش بهتر است و زراره گفت: کندنش بهتر است؛ پس، از امام صادق(ع) اجازه ملاقات گرفتیم. حضرت اجازه فرمود درحالی که در حمام بر زیر بغل نوره استعمال می‌نمود. پس به زراره گفتم: [با دیدن فعل امام(ع) حرف مرا] قبول کردی؟ گفت: خیر! شاید آن حضرت این کار را به‌دلیلی انجام می‌دهد که برای من جایز نیست انجام دهم. حضرت فرمود: شما در مورد چه چیزی سخن می‌گویید؟ عرض کردم: زراره با من در مورد تراشیدن موی زیر بغل و کندنش گفتگو می‌کند. حضرت فرمود: تو به سنت دست یافتی و زراره خطا رفته است. تراشیدنش بهتر از کندن است و نوره کشیدنش بهتر از تراشیدن (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۰۸).

۳. پیامد: توسعه روش استنباط از سنت فعلی

یکی از پیامدهای پذیرش پیش‌فرض دلالت استقلالی سنت فعلی، توسعه روش استنباط و افزایش بهره‌گیری از سنت فعلی است. چه، مقوله دلالت با استنباط رابطه‌ای دوسویه دارد و استنباط از یک منبع منوط به دلالت‌گری آن منبع و قابلیت‌های معنادهی آن است. از این‌رو، اگر

ندیدی که خوردم! گفتم بله! اما دوست دارم از شما بشنوم. فرمود: به تو از پنیر و غیر آن خبر می‌دهم، هر چیزی که در آن حلال و حرام باشد بر تو حلال است، مگر آنکه حرام را به عینه بشناسی که [در این صورت] باید آن را رها کنی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۳۳۹).

درواقع، امام(ع) با عبارت «أَوَلَمْ تَرْنِي أَكَلْتُهَا» از کفایت تبیین عملی خویش سخن گفته و مخاطب را نسبت به پاسخ مسئله آگاه کردند؛ زیرا عمل امام(ع) به تنهایی، دلالت بر مدلول خود (جواز خوردن پنیر) کرده و برای افاده آن نیازی به تأیید گفتاری نداشته است. نمونه دیگر روایتی است که از رنگ کردن ناخن‌های امام باقر(ع) و پرسش و پاسخ راوی خبر می‌دهد:

حکم بن عتیبه گوید: امام باقر(ع) را دیدم که حنا بر ناخن‌هایش نهاده بود. پس به من فرمود: نظرت درباره این کار چیست؟ عرض کردم: چه می‌توانم بگویم درحالی که شما انجام داده‌اید! ولی در [فرهنگ] ما جوانان چنین می‌کنند. امام فرمود: ای حکم! وقتی نوره به ناخن‌ها برسد، [رنگ] آن را تغییر می‌دهد تا آنجاکه شبیه ناخن‌های مرده می‌شود، پس [در چنین حالی] آن را با حنا تغییر ده (همان: ۵۰۹).

در این حدیث نیز عبارت «مَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ فِيهِ وَ أَنْتَ تَفْعَلُهَا» نشان از آن دارد که از نگاه مخاطب، فعل امام(ع) به تنهایی مفید معنا بوده و برای دلالت بر مدلول خود (جواز رنگ کردن ناخن) کفایت می‌کرده است. از این‌رو، باید گفت که افعال معصوم به جهت القای مدلول، مستقل بوده و نیازمند قرینه یا موید نمی‌باشد.

شایان ذکر است که نمونه‌های ذکر شده از آن‌روی مورد استناد قرار می‌گیرند که اصل دلالت‌گری سنت فعلی و رسایی آن نسبت به مفاد فعل را نشان می‌دهد؛ اما نسبت به وجه دلالت فعل و حکم مستفاد از آن رهنمونی نداشته و از این جهت مورد نظر نبوده است. افزون‌بر آنکه دلالت مستقل سنت فعلی بر یک مفهوم به معنای عدم استعمال

افعالی که از رسول خدا(ص) در زمینه آداب خورد و نوش نقل شده است مانند ندمیدن در غذا، نوشیدن آب با سه نفس و نخوردن غذای داغ (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴، ج ۲: ۴۹۳-۵۱۱) از جمله مصادیق این روش است؛ اما این شیوه درباره شماری از افعال معصوم صدق نکرده، نسبت به شئون مختلف حیات معصوم کارایی ندارد؛ چنان‌که، گزارش‌هایی که از فعل رسول خدا(ص) در مورد گرو گذاشتن زره نزد یهودی خبر می‌دهد (حمیری، ۱۴۱۳: ۹۱) و یا از امتناع ایشان از حرکت اصحاب در پشت سرشان حکایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳: ۲۰۶) از جمله مصادیقی است که بدون تحلیل و تبیین دقیق نمی‌توان الگو قرار داد و نیازمند روش‌هایی است که امکان تأسی به آنها را هموار نماید.

یکی از روش‌های کارآمد در استنباط از سنت فعلی، القای خصوصیت از فعل و استخراج اصل حاکم بر آن است؛ بدین طریق که با القای خصوصیات تاریخی و محیطی از سنت فعلی، اصل حاکم بر فعل معصوم استخراج و بر مصادیق جدید تطبیق داده می‌شود. به‌دیگرسخن، سنت فعلی گاه در بردارنده یک اصل کلی و فراگیر است که از مصادیق فراوانی نیز برخوردار است؛ اما آنچه توسط معصوم انجام می‌گیرد، تنها یکی از مصادیق و افراد آن اصل است. این روش می‌کوشد تا با تحلیل ویژگی‌های نهفته در سنت فعلی، ابتدا اصل حاکم بر آن را استخراج نماید و سپس با شناخت خصوصیات نمونه تحقق‌یافته، آن را بر مصادیق و نمونه‌های دیگر تطبیق نماید. در واقع، به‌دلیل درهم‌تنیدگی سنت فعلی با اقتضائات فضای صدور فعل، امکان تأسی به مصداق انجام گرفته وجود ندارد و تأسی تنها از طریق تطبیق اصل مستخرج بر مصادیق روزآمد میسر می‌شود.

نمونه این روش استنباط، اصل «اتقان» است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۶۵-۷۲). مطابق روایات وارده، رسول خدا(ص) به هنگام دفن فرزند خود ابراهیم و سعد بن معاذ (ابن بابویه،

بپذیریم که سنت فعلی به تنهایی و بدون نیاز به قرائن قولی نیز قابل فهم و برداشت است، باید روش‌های برداشت از فعل نیز بازطراحی و شیوه‌های نوین استنباط از آن بازتعریف شود. براساس این، باید افزود که نگرش غالب در روش استنباط از سنت فعلی، بهره‌گیری مستقیم از فعل و تأسی به عین سنت فعلی است؛ نگرشی که سبب شده است تا اولاً افعالی که قابلیت پیروی مستقیم ندارند از گردونه استنباط خارج شوند و ثانیاً میزان استفاده از گزاره‌های سنت فعلی تنها به یک روش متداول و کلیشه‌ای محدود شود. این در حالی است که با تعریف شیوه‌های جدید استنباط، می‌توان از متونی استفاده کرد که به ظاهر استعداد برداشت مستقیم ندارند و از آنها در طریق استنباط آموزه‌های دینی بهره گرفت. برای این منظور، دو روش از روش‌های نوین استنباط از سنت فعلی مورد بحث قرار گرفته و برخی نمونه‌های تطبیقی منبعث از آن ارائه شده است.

البته باید افزود که دلالت مستقل فعل بر یک مفهوم، به معنای عدم استعمال آن با قول نیست و همراهی فعل با قول را نفی نمی‌کند؛ زیرا چه بسا فعل معصوم در موضوعی دلالت مستقلی داشته است، اما برای تبیین بیشتر و یا افاده خصوصیتی جدید با قرائن قولی نیز همراه شده است؛ چنان‌که روایتی که از رفتار امام صادق(ع) در نوره کشیدن و تأیید قولی ایشان نسبت به برداشت راوی (عبدالله بن ابی یعفور) حکایت می‌کند، نشان‌دهنده آن است که فعل معصوم به تنهایی و بدون نیاز به قول دالّ بوده است؛ اما برای رفع ابهام و برطرف کردن شبهه مخاطب با قول نیز همراه شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۵۰۸).

۳-۱. روش اول: استخراج اصل حاکم

یکی از شیوه‌های مرسوم و متداول در بهره‌گیری از سنت فعلی، استفاده مستقیم و تطبیقی از سنت معصوم است؛ بدین صورت که عین سنت فعلی مورد توجه قرار گیرد و به صورت کاملاً برابر الگوبرداری شود؛ چنان‌که برخی

به یک خرمای خراب برخوردند. حضرت آن را در دست خود نگه داشتند تا بعداً آن را دور بیندازند. در این بین یکی از اصحاب که شاهد این قضیه بود به پیامبر(ص) گفت که آن خرمای خراب را به من بدهید. پیامبر(ص) در پاسخ فرمودند:

من راضی به چیزی نمی‌شوم که برای خود بد می‌دارم (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج ۱: ۳۹۳؛ نهج‌البلاغه، نامه ۶۹).

به روشنی معلوم است که فعل پیامبر(ص) در نگه داشتن خرمای فاسد و ندادن آن به دیگران، یک فعل اخلاقی است که به شکل این همانی، برای همگان قابل پیروی نیست؛ اما می‌توان اصل مستخرج از فعل را که مؤید به گفتار نیز شده است بر دیگر نمونه‌ها و موضوعات مرتبط تطبیق نمود.

۲-۳. روش دوم: عصری‌سازی

یکی دیگر از روش‌های استنباط از سنت فعلی، عصری‌سازی و روزآمدکردن آن است. سنت فعلی مطابق با شرایط جامعه و فضای دوره خویش شکل گرفته است و طبیعتاً متناسب با آن شرایط تحلیل و فهمیده می‌شود. از این رو، اگر زمان، مکان، فرهنگ و ویژگی‌های محیطی تغییر کند، لازم است مطابق فضای جدید بازتعریف شود. برای این منظور شایسته است تا ابتدا روح حاکم بر سنت فعلی استخراج و سپس مطابق شرایط و اقتضائات زمان، عصری‌سازی شود. البته این امر، با تکیه بر ظاهر متون و فعل پدید نمی‌آید و نیازمند تعریف معیارهای مرتبط است. نمونه این روش، افعال پنج‌گانه پیامبر(ص) است که با عنوان سنت از آنها یاد شده است:

پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را رها نمی‌سازم تا سنت بعد از من گردد: غذا خوردن با بردگان بر روی زمین، سوارشدن بر الاغ بی‌پالان، دوشیدن شیر بز، پوشیدن لباس پشمی و سلام کردن بر کودکان (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶: ۷۲؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۲۷۱).
به غیر از فعل آخر (سلام بر کودکان) که محدود به

۱۳۸۵، ج ۱: ۳۱۰) با آسیب دیدگی بخشی از دیواره قبر مواجه شدند؛ پس دستور دادند تا مقداری سنگ و گل تهیه شود و با دستن مبارک خود به ترمیم قبر پرداختند و خلل پدیدآمده را اصلاح کردند. ایشان پس از انجام این فعل خطاب به اصحاب خود فرمودند:

«خدای تعالی دوست می‌دارد بنده‌ای را که هرگاه عملی را انجام می‌دهد آن را استوار انجام دهد» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۲۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۶۳).

مطابق این حدیث، پیامبر(ص) در عمل به مرمت چیزی اقدام نمود که اصالتاً ارزش دقت و اهتمام را نداشت و شاید دیر یا زود دوباره فرسوده و خراب می‌شد؛ اما حضرت با استناد به یک اصل رفتاری چنین القا کردند که هر کاری - هرچند زودگذر و سریع الزوال - باید استوار و محکم انجام گیرد و از سهل‌انگاری و بی‌دقتی در آن پرهیز شود. در واقع، استخراج اصل حاکم بر فعل پیامبر(ص) (اتقان و استوارسازی) موجب می‌شود تا بُرد فعل پیامبر(ص) از زمان و مکان آن فعل فراتر رود و بر دیگر مصادیق و موضوعات نیز قابل انطباق شود؛ چنان‌که صاحبان مشاغل و صنایع، پزشکان و معلمان، کشاورزان و دامداران و دیگر اقدار جامعه می‌توانند از این فعل پیامبر(ص) الگو بگیرند و به جدیت و استواری در کارها اهتمام ورزند.

نمونه دیگر از این روش، اصل «دیگرپسندی» است که در پژوهش‌های اخلاقی به قاعده زرین نامور است (اسلامی، ۱۳۸۶). مطابق این اصل، شخص باید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست دارد دیگران در شرایط مشابه با او آن‌گونه رفتار کنند (شکل مثبت قاعده) و نباید به گونه‌ای با دیگران رفتار کند که دوست ندارد آن‌گونه با او رفتار شود (شکلی منفی). این اصل رفتاری از پشتوانه‌های متعدد عقلی، اخلاقی و روایی برخوردار است که متون سیره و رفتارشناختی معصوم یکی از آنهاست. برای مثال، روزی پیامبر(ص) مشغول تناول خرما بودند که

شیر بز نیز وظیفه خادمان و کنیزان بود و کاری حقیر و ساده به شمار می‌آمد و لباس پشمی، پوشش نیازمندی بود که توانایی پرداخت هزینه لباس‌های خنک و مناسب با هوای گرم سرزمین حجاز را نداشتند؛ از این رو، پیامبر(ص) با التزام به آنها و هم‌رنگی با بینوایان و نیازمندان، سعی در تبلور افعال متواضعانه در میان مردم داشت.

نمونه دیگر این روش، مربوط به سیره اجتماعی - سیاسی پیامبر(ص) است. برپایه شماری از روایات، رسول‌خدا(ص) در ارتباط با مردم بسیار ساده و به دور از تشریفات عمل می‌کرد؛ درب منزلش را نمی‌بست، از نگاهبان استفاده نمی‌کرد و به سادگی در دسترس بود (بیهقی، ۱۴۲۴، ج ۱۰: ۱۷۴). ایشان حتی برای برآوردن حواجی مردم، شخصاً اقدام می‌کرد و خود به دنبال خواسته‌های آنها می‌رفت (ابوداود سجستانی، بی تا، ج ۱: ۲۹۲؛ ابونعیم اصبهانی، ۱۳۹۴، ج ۷: ۲۰۲). این شیوه تعامل پیامبر(ص)، اگرچه در جامعه کوچک مدینه با ویژگی‌های ابتدایی آن امکان‌پذیر بود و رسول‌خدا(ص) به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی می‌توانست با هریک از افراد جامعه، رابطه‌ای خصوصی برقرار و مشکلات شخصی آنان را به صورت مستقیم برطرف کند، اما در دوره معاصر که حاکمان اسلامی با گستردگی قلمرو جغرافیایی و افزایش چالش‌ها و مسائل سیاسی - اجتماعی مواجهند، قابل اجرا نیست و در عمل امکان‌الگوگیری از این سیره پیامبر(ص) وجود ندارد. از این رو، ضروری است که روش بهره‌گیری از فعل پیامبر(ص) تغییر یابد و فعل پیامبر(ص) مطابق شرایط امروزی، عصری‌سازی شود. برای این منظور، به نظر می‌رسد که با استفاده از ویژگی‌های فعل پیامبر(ص)، بتوان روح حاکم بر افعال ایشان را که «تسهیل در رابطه حاکم و مردم» است (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۶۵-۷۲) استخراج نمود و به‌عنوان الگوی عملی حاکمان و دولتمردان اسلامی معرفی کرد؛ بدین طریق که امکان ارتباط ساده و آسان حاکم و مردم فراهم آید و افراد جامعه بتوانند به‌راحتی

زمان و مکان خاصی نیست، بقیه افعال تنها در بستر جامعه دوره پیامبر(ص) و در فرهنگ مردم آن زمان قابل تحقیق است؛ زیرا برای مثال، دوشیدن شیر بز برای افرادی که زندگی شهری دارند معنایی ندارد و پوشیدن لباس پشمی برای کسانی که در مناطق گرمسیر زندگی می‌کنند امکان‌پذیر نیست؛ از این رو به نظر می‌رسد که با توجه به ظاهر روایت نبوی، امکان تأسی به افعال یادشده وجود ندارد و پیروی از آنها برای غیر مخاطبان پیامبر(ص) ممکن نیست؛ اما باید اذعان نمود که با توجه به روش مورد نظر (عصری‌سازی)، راهکار بهره‌گیری از افعال پیش‌گفته وجود دارد و فرصت الگوگیری برای انسان‌های دیگر اعصار تاریخ نیز فراهم است؛ بدین طریق که با شناسایی حکمت افعال پیامبر(ص)، می‌توان روح حاکم بر افعال ایشان را کشف نمود و با تطبیق آن بر مصادیق دیگر، امکان تحقق روزآمد آن را مهیا کرد.

با تحلیل افعال چهارگانه پیامبر(ص) چنین به‌دست می‌آید که حکمت اصلی افعال حضرت فروتنی و روح حاکم بر افعال پیامبر(ص) تواضع است؛ زیرا غذا خوردن با بردگان بر روی زمین اشاره به فعل حاکمان و سلاطینی دارد که با تشریفات، در کنار اعوان و انصار خود غذا می‌خوردند و از هم‌نشینی با طبقات پایین جامعه ابا داشتند. از این رو، پیامبر(ص) با فروتنی بر روی زمین و همراه با بندگان غذا می‌خورد و از تکبر و تشبّه به پادشاهان پرهیز می‌کرد. سوارشدن بر الاغ بی‌پالان نیز در عرف زمان پیامبر(ص) رفتاری دور از شأن حاکمان و دولتمردان بود؛ زیرا آنان به هنگام انتقال به این سو و آن سو، بی آنکه کسی از مردم معمولی را در کنار خود جای دهند، بر اسب‌های گران‌قیمت سوار می‌شدند و قدرت و شوکت خود را به رخ مردم می‌کشیدند؛ اما پیامبر(ص) بی آنکه به تشریفات و تجملات بیندیشند و از مرکب‌های قیمتی استفاده نمایند، فروتنانه بر استر و درازگوش بی‌پالان می‌نشست و هیچ تفاوتی برای خود قائل نمی‌شد. دوشیدن

و دیگری بر دلالت غیر استقلالی فعل اصرار دارد؛
 ۳. پذیرش پیش‌فرض مورد نظر (دلالت استقلالی سنت فعلی) موجب می‌شود تا روش‌های استنباط از سنت فعلی گسترش پیدا کرده و افزون بر بهره‌گیری مستقیم از سنت فعلی به دو روش یک: استخراج اصل حاکم و دو: عصری‌سازی توسعه پیدا کند؛
 ۴. در روش استخراج اصل حاکم، خصوصیات تاریخی و محیطی از سنت فعلی القا و با کشف اصل حاکم، بر مصادیق جدید تطبیق داده می‌شود. در روش عصری‌سازی نیز ابتدا روح معنایی سنت فعلی استخراج و سپس مطابق شرایط و اقتضائات زمان، بروز می‌شود.

نظرات خود را با مسئولان در میان بگذارند و مشکلات خود را برطرف نمایند. بنابراین، با توجه به این روش، تأسی به این سیره سیاسی - اجتماعی پیامبر(ص) نیز تحقق می‌یابد و در عمل الگوگیری از فعل پیامبر(ص) امکان‌پذیر می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهش انجام گرفته، نتایج تحقیق به شرح ذیل قابل تبیین است:

۱. توسعه استنباط از سنت فعلی مبتنی بر پذیرش پیش-فرض‌هایی است که استقلالی بودن دلالت افعال معصوم از مهم‌ترین آنهاست؛
۲. درباره دلالت سنت فعلی دو دیدگاه رایج وجود دارد که یک بر دلالت همراه با قرائن قولی پای می‌فشارد

منابع

- ابن ابی‌جمهور، محمد (۱۴۰۵)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: دار سیدالشهدا.
- ابن‌الشہید الثانی، محمد بن حسن (۱۴۱۹)، *استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار*، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین.
- _____ (۱۳۷۶)، *الامالی*، تهران: کتابچی.
- _____ (۱۳۸۵)، *علل الشرایع*، قم: داوری.
- ابن سعد، محمد (۱۴۱۰)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن میثم، میثم بن علی (۱۳۶۲)، *شرح نهج البلاغه*، قم: نشر الکتب.
- ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث (بی‌تا)، *سنن ابی‌داود*، بیروت: المکتبه العصریه.
- ابونعیم اصبهانی، احمد بن عبدالله (۱۳۹۴)، *حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء*، مصر: السعاده.
- اسلامی، سیدحسن (۱۳۸۶)، «قاعده زرین در حدیث و اخلاق» *علوم حدیث*، ش ۴۶، ص ۵-۳۳.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۴۱۵)، *انوار الهدایة فی التعلیقہ علی الکفایہ*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴)، *السنن الکبری*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بیهقی، علی بن زید (۱۳۶۷)، *معارج نهج البلاغه*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره).
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰)، *التعریفات*، تهران: ناصر خسرو.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- حسینی شیرازی، سیدصادق (۱۴۲۷)، *بیان الأصول*، قم: دار الانصار.
- حسینیان، حامد (۱۳۹۳)، «سیره پویا؛ چالش‌های فراوری عمل به سیره و راه برون رفت از آن»، *مجموعه مقالات سبک*
- زندگی اهل‌بیت (ع)، ج ۱، ص ۹۴-۱۱۶.
- حکیم، سیدمحمدتقی (۱۴۱۸)، *الأصول العامة فی الفقه المقارن*، قم: مجمع جهانی اهل‌بیت (ع).
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۵)، *نهایة الوصول الی علم الأصول*، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- حمیری، عبد‌الله بن جعفر (۱۴۱۳)، *قرب الإسناد*، قم: مؤسسه آل‌البتیت.
- خدایپرستی، فرج‌الله (۱۳۷۶)، *فرهنگ واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی*، شیراز: دانشنامه فارس.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲)، *محاضرات فی أصول الفقه*، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۴)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- راد، علی (۱۳۹۰)، *مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن با رویکرد نقادانه به آرای ذہبی*، عسال و رومی، تهران: نشر سخن.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۰)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان.
- سبزواری، هادی (۱۴۱۷)، *شرح المنظومة، تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی*، تهران: نشر ناب.
- سمنون، مرتضی (۱۳۸۵)، «قلمرو شریعت و حجیت سنت فعلی»، *آیینہ معرفت*، ش ۸، ص ۱-۲۴.
- سیدرضی، علی بن حسین (۱۳۷۲)، *نهج البلاغه*، قم: بنیاد نهج البلاغه.
- شوشتری، محمدتقی (۱۳۷۶)، *بہج الصباغة فی شرح نهج البلاغة*، تهران: امیر کبیر.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، *کتاب المکاسب المحرمة و البیع و الخیارات*، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۸)، *دروس فی علم الأصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۸۱)، *نقش تقیہ در استنباط*، قم: بوستان کتاب.

مومن قمی، محمد (۱۴۱۹)، *تسدید الاصول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

هاشمی‌شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۷)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)*، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی. یزدی، سید محمد اظم (۱۴۱۹)، *العروة الوثقی فیما تعم به البلوی (المحشی)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

صفی پوری، عبدالرحیم (۱۳۹۰)، *منتهی الارب فی لغة العرب*، تهران: دانشگاه تهران.

طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۴)، «قواعد استنباط از سیره نبوی»، *سیره پیامبر خاتم (ص)*، ج ۱، ص ۶۵-۷۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، *تهذیب الاحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

_____ (۱۴۱۴)، *الامالی*، قم: دار الثقافة.

عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: اشجع. غزالی، محمد (۱۴۱۳)، *المستطقی*، بیروت: دار الکتب العلمیه. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶)، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین (ع).

قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۷۹)، «سیری در مفاهیم و ابعاد مختلف توسعه»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۵۶، ص ۱-۱۶.

قطب‌الدین رازی، محمد بن محمد (۱۳۹۳)، *لوامع الاسرار فی شرح مطالع الانوار*، تهران: دانشگاه تهران.

کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰)، *کنز العوائد*، قم: دار الذخائر. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجتهد خراسانی، محمود (۱۳۴۰)، *رهبر خرد*، تهران: کتابخانه خیام.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

_____ (۱۴۰۶)، *ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).

محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم: اسماعیلیان.

محمدی ری‌شهری، محمد و دیگران (۱۳۹۴)، *سیره پیامبر خاتم (ص)*، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم: دارالحدیث.

معین، محمد (۱۳۸۵)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران: راه رشد. مغنیه، محمد جواد (۱۹۷۵)، *علم أصول الفقه فی ثوبه الجدید*، بیروت: دار العلم للملایین.